

به نام خدا

شهر فرنگ

ایده پرداز و کارگردان: مصطفی جعفری خوزانی

زمان: ۲۰ دقیقه

یک شهرفرنگی وارد می شود. معرکه میگیرد. او این بساط شهرفرنگی را از پدر خود یادگار دارد. خود اما عاشق سینما بوده است. مرد خودش را معرفی میکند. حسن زبل کتکخور معروف سینمای قبل از انقلاب. حسن به عشق سینما و هنرپیشگی پا به این عرصه گذاشته است اما کم کم وارد باند اشرف میشود. کار او تدارک مواد برای سوپرستارهاست. در یکی از سکانسهای مهیج کتکخوری سینما مجروح و لنگ میشود. اینبار در نوع سینمای باند فرح که مثلاً روشنفکری است نقش قوادها را بازی می کند. پدرش او را از ایفای چنین نقشهایی بر حذر میکند اما حسن زبل میگوید این دنیای آرتیستیکی است و ربطی به واقعیت او ندارد. پدرش به او می گوید وقتی قبح دیانت در فیلمها بریزد غیرت آدمی کم کم رنگ میبازد. او بنا به اصرار پدر فوکوس کش فیلمبردار میشود. چند فیلم اعتراضی کار می کند و نهایتاً انقلاب میشود. گروهی انقلابی نما سینماها را آتش می زنند اما امام میفرمایند با سینما مخالف نیست بلکه با فحشا مخالف است. شهرفرنگی او متصل به دیتا شو است و سخنرانی امام راجع به تحسین فیلم گاو پخش میشود. حسن زبل متاثر گشته و با همان دوربینهای سی و پنج میلی متری سینمای انقلاب به ثبت حماسه های دفاع مقدس می پردازد. او یاد می آورد که قبل از انقلاب با لنز زوم روی کجاها زوم می کرده است و حالا روی کجا.

در نهایت حسن زبل برای پاس داشت میراث پدر دوربین زمین گذاشته و شهرفرنگی شده است و معرکه میگیرد و مردم را با حقایق تاریخ معاصر آشنا می کند.